

نامه های خصوصی و ارزش گذاری آنان به عنوان سند تاریخی

دکتر علی اکبر خانمحمدی

عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

استاد مفضل جناب آقای پروفیسور امین، زید توفیقاته

با سلام، نظر به این که در شماره ی اخیر وزین نامه ی حافظ مطلبی در باب نامه های تاریخی درج شده بود و این که این جانب سال های متمادی در زمینه ی نسخ و اسناد خطی در کتابخانه ها و مراکز آموزشی درس داده و کار کرده ام، لذا مناسب دانستم نه به عنوان دستاورد تحقیقاتی خودم که چون تحفه یی حاصل نظرات یکی از محققین خارجی این وادی را که اخیراً به چاپ رسیده ترجمه و با توضیحات و حواشی مناسب برای درج در آن نامه ی گرامی ارسال دارم که امیدوارم مقبول نظر قرار گیرد.

با تجدید ارادت مجدد، علی اکبر خانمحمدی فروردین ۸۸

محسوب می شود، مسایل عمده ی این وادی را مطرح و ما سعی داریم خلاصه یی از آن همه را در این جا بیاوریم.

نخست به عنوان درآمد بحث می پردازند به تفکیک دو دسته ی عام از این قبیل منابع که به خصوص به کار تاریخ نویسان می آیند. آن دو دسته عبارتند از: اول نامه های رسمی و اداری که در دربارها مرسوم، و دوم نامه های شناخته شده تحت نام عمومی نامه های شخصی یا خصوصی، متبادله بین رجال سیاسی و ادبی این دربارها و غیر آن. مطلب قابل توجه در نامه های اخیر نکات تاریخی ارزنده یی است که از لابه لای آن ها قابل استخراج می باشد و منظور از نگارش این مقدمه توضیح همین مطلب است. ایشان نام دسته ی اول را منابع سنتی یا مرسوم Tradition و دسته ی دوم را منشآت یا همان رسایل و مکاتیب می دانند. به دنبال آن محقق محترم بحث نسبتاً مفصلی در شناسایی عمیق تر و بویژه نوع ایرانی این منابع می نمایند که برای صاحب نظران این وادی تکراری می نمود و لذا از ترجمه ی آن در این مقام خودداری می شود. همین قدر عنوان نماییم که نامه های خصوصی مورد نظر ما در این گفتار به دسته ی اخیر باز می گردد.

اما آن چه بویژه اهمیت این قبیل منابع را از نظر محقق محترم رقم می زند همانا دو خصوصیت بارز در آن هاست. اول این که فاقد مذهب و دعاوی مرسوم در نامه های دیگر درباری و اداری بوده و لذا به حقیقت نزدیک و ساده و سراسر است می باشند، و دوم این که غالباً از آرایش ها و پیرایش های لفظی و معنایی که در مکاتبات رسمی جایگاه عمده یی دارند،

هاچمر Klaus.U.Hachmeier از دانشگاه گوتینگن Gottingen آلمان هستند که در این اواخر و از باب درآمدی بر نامه های بازمانده از استاد ابوالفضل صابی، ادیب و نثرنویس معروف دستگاه بویه یان، و از هم ردیفان استادان نامدار دیگر چون ابن عمید و صاحب بن عباد، مقاله یی ممتع نشر داده اند و طی آن به استناد همین نامه ها نکات ناگفته یی از تاریخ آل بویه در ایران را روشن نموده اند. عنوان مقاله ی استاد هاچمر به فارسی می شود: «ارزش نامه های خصوصی در شناخت مواضع تاریخی» (منتشره در نشریه ی مجله ی مطالعات اسلامی Journal of Islamic Studies جلد سیزدهم، شماره ی دوم، ماه می سال ۲۰۰۲) محقق محترم در این نوشته که به واقع نوعی مقدمه نگاری بر رسایل صابی

□ در پیرامون نامه های خصوصی (شخصی) و ارزش ادبی و تاریخی آنان سخن برای گفتن فراوان است. بویژه که این بحث هم در ارتباط با منابع و اسناد خطی مطرح است و هم اسناد تاریخی. اما مطلب دیگر که متأسفانه کم تر هم مورد مذاقه قرار گرفته مد نظر قراردادن این دسته عظیم و معتبر در راستای بازیابی مستندات تاریخی است. از جایی باید اضافه کنم چون مطالبی در این باب به طور جسته و گریخته از زبان صاحب نظران در سال های گذشته عنوان و نشر شده بود، لذا مناسب دیدم مطلبی تازه و این بار در حد جمع بندی آن مطالب از قول یک محقق خارجی که انصافاً با دیده ی کاوشگرانه به مساله نگریسته در این جا بیاورم. محقق مورد نظر آقای کلاوس یو

عاری هستند. روی دیگر این دو مطلب چنین است که این نامه‌ها قطعاً برای ثبت در تواریخ نوشته نمی‌شدند و از این جهت مجالی برای طرح دعوی بود که چه بسا در حالت عادی مطرح کردن آنان عواقب سنگینی برای نویسنده‌ی نامه می‌داشت. از این جهت و از فحوای این نامه‌ها می‌توان همواره دورنمایی از وضع هر دوره و عصر ترسیم کرد، و نیز مشکل‌گشای بسیاری مطالب تاریخی که چه بسا در تواریخ رسمی به اجمال از آن‌ها گذشته‌اند، گردند.

نگارنده‌ی مقاله در بدو امر به دسته‌بندی نامه‌های خصوصی می‌پردازد و در این راه تا آن‌جا دقت نظر به خرج می‌دهد که حتی شکواییه‌های ادبی را هم در این شمار می‌آورند. مثل شعری از منتبّی شاعر مشهور عرب که طی آن اطلاعات ذی‌قیمتی از جنگ‌های ایران و روم در قرن چهارم میلادی به دست می‌دهد. یا محتوای شعری از ابن عجاج شاعر عرب (م. ۳۹۱ هـ.) که توصیف زنده‌یی از بغداد در زمان سلطه‌ی بویه‌یان بر آن‌جا و در قرن چهارم هجری می‌آورد. به همین ترتیب در زمینه‌ی نثر نیز نمونه‌هایی ذکر کرده‌اند که از آن جمله است نوشته‌های موسوم به مقامات یا حکایات منحصر به فرد چون حکایت ابوالمطهرزادی (اوایل قرن پنجم هجری) در توصیف یک روز از حیات یک طفل بغدادی که در عین حال نشان‌دهنده حیات روزمره دیگر اهالی این شهر در ایام موصوف است.

لیکن از این همه گذشته آن‌چه مورد نظر اصلی در نوشته مذکور می‌باشد و پیکره‌ی آن را تشکیل می‌دهد نامه‌های شخصی در معنای اخص کلمه است که غالباً بین رجال سیاسی، حکومتی و ادبی هر عصر مبادله و به نظر محقق محترم می‌توانند منابع ارزنده و دست‌اولی در تحقیقات تاریخی باشند. این نامه‌ها می‌توانند به سه شکل به دست ما رسیده باشند:

الف. آن‌چه به صورت اصلی به دست ما رسیده‌اند.

ب. آن‌چه به نقل و در آثار دیگران ثبت شده‌اند.

ج. آن‌چه به شکل بیاض، مرقع، مجموعه‌ی نامه‌ها (ترسل)، گاه به منظور خاص تاریخی، گاه گردآوری نمونه‌ها و منشآت هنری برای هنردوستان، یا در نهایت به قصد آموزشی برای دبیران و کاتبان بعدی، تنظیم شده‌اند.

از دسته‌ی اول که بیش‌تر در آرشیوهای خصوصی یافت می‌شوند، نمونه‌های زیادی در دست است که در این مقام محقق توانسته بعضی نامه‌های صابی را فراهم و در کتاب خود بیاورد. در قسمت منقولات شماری از این مکاتبات در لابه‌لای مطالب و

مضامین متنوعی چون رسایل، گزارش‌های تاریخی، مجموعه‌های لطایف و ظرایف و امثال آنان ضبط است. و نهایت قسمت سوم که باید اذعان نمود بیش‌ترین نمونه‌ها را به دست می‌دهند و غالباً به شکل مجموعه رسایل، مکاتیب، کتاب‌های موسوم به ترسل و نظایر اینان درآمده‌اند، قطعاً به منظور تعلیم و آموزش فن دبیری و نویسندگی به آیندگان و نوآموزان.

محقق از زاویه‌ی دیگر این دسته آثار را از سه دسته خارج نمی‌داند.

۱- نامه‌های صرفاً قابل بایگانی که چه بسا ناشناخته و در نزد خانواده‌ها چون ارثیه‌ی گران‌قدر حفظ می‌شوند.

۲- نامه‌های آموزشی و به اصطلاح سرمشقی برای نوآموزان

۳- نامه‌های ادبی که برای تفنن‌های ادبی نگاشته و غالباً خالی از اطلاعات تاریخی هم نیستند.

آن‌گاه مؤلف در توضیح بیش‌تر این سه دسته منابع می‌افزاید: مجموعه‌های قابل بایگانی اشاره به نامه‌هایی دارد که خواه به شکل شخصی (نامه‌های بایگانی فامیلی)، خواه دیوانی (نامه‌های بایگانی حکومتی) از طرف شخص نویسندگان به نگارش در می‌آمدند که متعاقباً بایگانی و بعدی‌ها چون ارثیه آنان را حفظ می‌کردند.

به همین ترتیب در پیرامون مجموعه‌ی نامه‌های آموزشی و سرمشقی باید افزود عموماً نمونه‌ی نامه‌های بزرگان سیاست و ادب بود که برای آموزش و سرمشق نوآموزان این طریق فراهم و به یک‌دیگر ضمیمه می‌شدند که چنان‌که گذشت به آن مجموعه رسایل و یا انواع کتاب‌های ترسل هم می‌گفتند. با قید به این‌که چنین آموزش‌ها از طریق اصل آن نامه‌ها هم قابل انتقال بود. و سرانجام مجموعه‌های ادبی را داریم که قبل از هر چیز دارای ارزش ادبی، و جدای از آن می‌توانستند محل به نمایش گذاشتن هنر خطاطی و نیز جنبه‌ی آموزشی هم داشته باشند.

به واقع در مورد دو دسته‌ی اخیر باید افزود گاه چنان‌که به هم نزدیک هستند که به سادگی قابل تفکیک و تمایز نیستند. چرا که ایراد صنایع و بدایع در نظم و نثر یکی از عادات و تجهیزات تمام نویسندگان و شاعران در آن اعصار بوده و همین امر تمایز میان نامه‌های ادبی و نامه‌های تعلیمی را مشکل می‌نماید.

در ادامه محقق فاضل به بهانه بررسی آثار و نامه‌های ابوالفضل صابی نوشته‌اند که قدر مسلم در مورد رسایل صابی ظن قوی این است که جنبه‌های ادبی آن بر دیگر جنبه‌ها غلبه داشته.

لازم به ذکر است که ایشان کل نامه‌های خصوصی دارای خاصیت تاریخی از این قبیل را از چهار دسته خارج نمی‌دانند که ما نیز در فارسی کمابیش همین تقسیمات را برای آنان به کار می‌بریم. به عبارت دیگر ما نامه‌های نوشته شده از جانب اهل ادب، سیاست و فرهنگ را در چهار دسته خلاصه می‌نماییم.

سلطانیات، یعنی فرامین و امثله که خاص از جانب شاه، ولیعهد و به هر حال هر مقام حکومتی به همان منظوره‌های بالا صادر شده باشد.

دیوانیات، یعنی نامه‌های اداری و دیوانی به منظور گردش امور حکومتی و صادره از جانب وزرا و اصولاً دیوان‌مداران هر حکومت صادر شده‌اند.

اخوانیات یعنی نامه‌های خصوصی به معنی اعم کلمه که نامه‌های دوستانه، تهنیت و خطابیه‌ی دیگر را شامل می‌شوند و شرح پیش‌تر آنان از جانب محقق محترم در ذیل خواهد آمد.

و سرانجام نامه‌های دارای بار مالی چون بروات، رسیدها، ضمانت‌نامه و امثال آنان.

این نکته در همین مقام قابل یادآوری است که مواردی یافت می‌شود که برخی از انواعی که گذشت با یک‌دیگر قابل تداخل هستند. مثلاً نامه‌یی که هم خصوصی تلقی، هم مطلبی مربوط به دیوان در آن آمده و هم بار مالی دارند. لذا می‌شود گفت این تقسیم‌بندی صوری و تنها به درد جداسازی‌های اولیه می‌خورد.

چنان که گذشت محقق محترم نیز کماکان در ارتباط با رسایل صابی چهار دسته نامه قایل شده‌اند و از آن میان فقط بخش‌های دوم و سوم را مد نظر داشته و به توضیح آن‌ها پرداخته‌اند. اما چهار دسته مورد نظر:

۱- توقیعات، یعنی احکام و فرامین و اصولاً نامه‌های تشریفاتی و اعطای القاب و امثال آنان. این نامه‌ها هم در عملکرد و هم در نگارش جنبه‌ی رسمی داشته و به بالاترین شیوه و زبان کتابت اداری و رسمی نگارش می‌یافتند.

۲- نامه‌های خصوصی. منظور نامه‌هایی است که صابی به اعضای خاندان و یا دوستان خود نوشته است. مشتمل بر مسایل شخصی و روابط خانوادگی. لذا نخستین سؤال این است که ارزش ادبی آنان تا چه اندازه است؟ آن چه ما می‌توانیم بگوئیم این که چه بسا نامه‌های مذکور طوری نوشته شده‌اند که قابل استفاده برای عموم بوده و لذا اهل تاریخ توانسته‌اند در نگارشات خود از آن‌ها استفاده نمایند.

۳- نامه‌های سیاسی، یعنی آن دسته نامه‌های نوشته شده به امر خلیفه، امیران بویهی یا وزرای‌شان، در خطاب به امرا و وزرای دیگر، و علی‌القاعده شامل مسایل سیاسی روزمره می‌شده. در مجموعه نامه‌یی صابی این دسته نامه‌ها بیش‌ترین رقم را نشان می‌دهند.

ارزش‌گذاری و اعتبار این نامه‌ها مسلماً بستگی به نقش سیاسی صادرکننده و دریافت‌کننده داشته. برخی از این نامه‌های سیاسی را می‌توان تحت عنوان فتح‌نامه‌ها طبقه‌بندی نمود. دسته‌یی هم شامل معاتب‌نامه‌ها، شفاعت‌نامه‌هایی است که از جانب افراد فوق‌الذکر به اقوام و بستگان نوشته شده و به عبارتی می‌توان جزو نامه‌های خصوصی قلمداد کرد. از نظر راقم این سطور چنان که اشاره شد ما این قبیل نامه‌ها را کمابیش جزو دیوانیات می‌شماریم.

۴- نامه‌های تهنیت یا تعزیت در مجموعه نامه‌های صابی که در مضمون و محتوی آن چنان با نامه‌های دیگر مغایرت دارند که لزوماً باید برای آنان بابی جداگانه قایل شد. فی‌الواقع بعضی از نامه‌های این دسته را می‌توان صرفاً نامه‌های خصوصی قلمداد کرد و پاره‌یی دیگر را رسمی. به هر حال از دیدگاه نامه‌های خصوصی این مطلبی است که مورد توجه خاص محقق ما بوده و لذا مختصر شرح و توضیحی در باب آنان آورده است.

«... با پرداختن به نامه‌های شخصی صابی نخست اهمیت دارد که آنان را از باب اصطلاحی که در عربی برای این موارد به کار می‌رود، یعنی دسته‌ی اخوانیات (نامه‌های متبادله بین دوستان) تفکیک نماییم. ارزی Arazzi در تعریف این بخش از نامه‌ها گوید:

«... اصطلاح اخوانیات مأخوذ است از اخوان (از اخی به معنی برادر و این‌جا البته دوست و...) و بدین لحاظ نامه‌های متبادله بین دو دوست یا دوستان را گویند. خصوصیت ویژه این قبیل نامه‌ها عمیقاً عاطفی بودن آنان است. به عبارت دیگر نامه محل گفت‌وگو و بلکه جانشین می‌شود با دوستی غایب. کسی که دوری از او باعث غصه‌ی نویسنده شده است. همین اظهار اشتیاق و گله از جدایی است که عنصر اصلی اخوانیه محسوب می‌گردد.

این نامه‌ها در عین حال آینه تمام‌نمایی هستند برای به نمایش گذاشتن زندگی روزمره افراد. تسلیت گفتن در مصیبتی، تبریک و تهنیت گفتن به واسطه‌ی امر خوشایندی، یادداشت اهداء یک هدیه، اظهار خوشامدگویی و خلاصه مسایل این چنینی دیگر در این شمارند...»

در ادامه محقق محترم اظهار نظر می‌کنند که: ... به نظر ما

نامه‌ی خصوصی دکتر مصدق به قوام السلطنه

□ یازدهم مرداد ماه ۱۳۲۴

قربانت شوم؛ جناب آقای صلاحی صلاح‌الملک پیغام حضرت‌عالی را ابلاغ نمودند. انتشار مذاکرات خصوصی بنده در جرائد حاکی است که انتشاردهنده در بیانات بنده تحریفاتی نموده و چون روابط گوینده را با بنده همه می‌دانند، احتیاج به تکذیب نیست. نسبت به حضرت‌عالی با تنگی وقت و اصراری که سوال‌کننده داشت، خدا گواه است نظرم نیست چه گفته‌ام ولی یقین دارم بیش از این که حضرت‌عالی شخص فعالی هستید و ممکن است یک وقت کار خوب بکنید و یک وقت کار بد، چیزی نگفته‌ام. در خاتمه ارادت خود را تجدید و سلامت عالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۱۳۲۴

قربانت شوم
جناب آقای صلاحی
پیغام حضرت‌عالی را ابلاغ نمودند
در بیانات بنده تحریفاتی
نموده و چون روابط گوینده را با بنده
همه می‌دانند، احتیاج به تکذیب نیست
نسبت به حضرت‌عالی با تنگی وقت و اصراری
که سوال‌کننده داشت، خدا گواه است
نظرم نیست چه گفته‌ام ولی یقین دارم
بیش از این که حضرت‌عالی شخص فعالی
استید و ممکن است یک وقت کار خوب
بکنید و یک وقت کار بد، چیزی نگفته‌ام
در خاتمه ارادت خود را تجدید و سلامت
عالی را خواهانم
دکتر محمد مصدق

اخوانیات خالصاً یک ساخت ادبی دارد، آن چه انگیزه‌ی اولیه‌اش یک دوستی پایدار، مرحله به مرحله پیشرفته و در نهایت توسعه یافته است. در مقابل آن چه در این اخوانیات کم‌ترین درجه اهمیت را دارد ابلاغ اطلاعات خاص یا بحث راجع به مضمونی دولتی و حکومتی بوده است. به بیان دیگر آن چه بیش‌ترین مضامین این نامه‌ها را می‌ساخت حوادث و وقایع زندگی حقیقی و روزمره افراد و وابستگان بود. (اتفاقاتی از قبیل تولد، ازدواج، بیماری و احیاناً مرگ) و جز این مطالب عموماً چیز دیگر نداشتند.

این خود واقعه یا اطلاع بدان نبود که در مرکز نامه‌ی خصوصی قرار داشت، بلکه آن چه مهم بود عامل دوستی و شفقت و ناشی از اطلاع ادبی نویسنده بود. سپس در حاشیه‌ی محقق ما توضیح می‌دهند: نمونه‌هایی از این مراسلات در کتبی چند به عنوان سرمشق و تحت عنوان رسایل گرد آمده‌اند. از آن جمله می‌توان اشاره به کتاب نویسنده‌ی مصری الحمادی نمود با عنوان **تسهیل السبیل الی تعلیم الترسل**. راقم این سطور از خود می‌افزاید که در فارسی نیز چنین کتب کم نبوده و علاوه بر مجموعه نامه‌های بزرگان علم و ادب و سیاست، مثل **مکتوبات و منشآت قائم مقام فراهانی** یا **در عهد قدیم کتاب بهاء‌الدین بغدادی** را داریم با عنوان **التوسل الی الترسل**.

به هر حال آن چه در این بین از نظر محقق فاضل درجه اول اهمیت را داراست این که بدانیم نامه‌های ادبی خصوصی تا چه حد می‌توانند به عنوان اسناد واقعی تاریخی محسوب و احیاناً به کار تاریخ‌نویس آیند. در پایان این مبحث و به عنوان یک قاعده در نوشتن و نامه‌نگاری مؤلف ما نقل قولی از محقق عرب ذنبی در پیرامون انشاء یا مرسله‌ی ادبی دارد که گفته است: «... بهترین منشی (کاتب یا مترسل) کسی است که محصول ذهنش (معناه) برای خواننده یا شنونده در نهایت روشنی باشد. به طوری که وقتی که خواننده می‌خواند یا شنونده بدان گوش می‌دهد بلافاصله بفهمد که مضمون نوشته یا گفته چیست. و این در حالی است که برعکس بهترین شعر آن شعری است که خواننده و شنونده به راحتی معنی آن را در نیافته و برایش ایجاد ابهام کند و بدین ترتیب توجه او را برای درک معنی مدتی به خود مشغول دارد. بای ادآوری این که نثر غالباً به همه‌گونه افراد، فرهیخته یا خالی‌الذهن، اطلاق می‌شود، و لذا هرچه آسان‌تر باشد باعث بیش‌تر فهمیدن و در نتیجه بیش‌تر لذت‌بردن مخاطب می‌گردد. و حال آن که شعر چنین نبوده و غالباً خطاب به افراد فرهیخته است. ■